



واژه‌شناسی فقه روابط بین الملل

پدیدآورنده (ها) : شبان نیا، قاسم

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه معرفت :: خرداد ۱۳۸۵ - شماره ۱۰۲ (ISC)

صفحات : از ۴۷ تا ۵۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/30169>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۷/۲۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

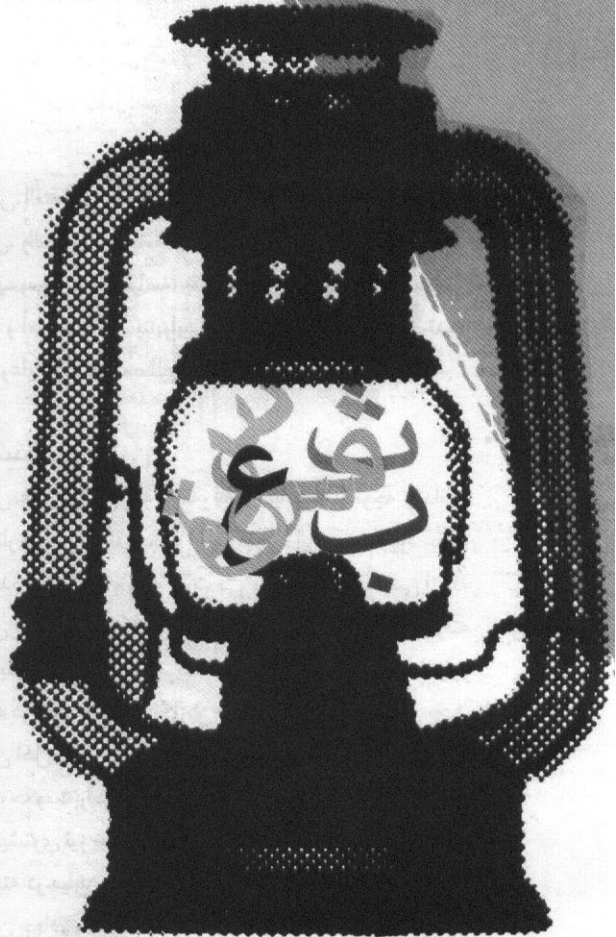
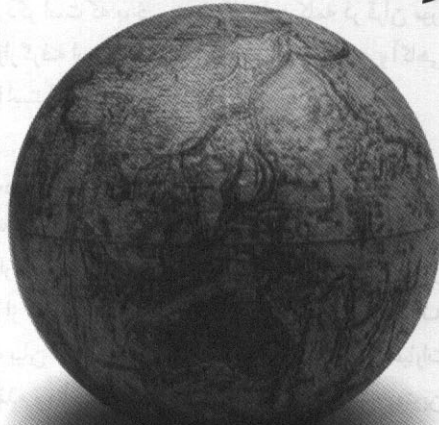
- منبع شناسی فقه روابط بین الملل
- نظام قضایی ایران در عهد باستان
- نکته هایی در فقه روابط بین الملل
- جایگاه قاعده «نبذ» در فقه روابط بین الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی
- مسائل فقه سیاسی
- دین و تئوری روابط بین الملل
- فقه روابط بین الملل
- سیر تحول مطالعات نظری روابط بین الملل در ایران
- مغالطات مخالفان در مواجهه با معصومان علیهم السلام
- طرح نامه فقه سیاسی
- سیاست و فرهنگ؛ شاخص های سیاست گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)
- رابطه ی فقه و حقوق در گفتگو با استاد علیرضا امینی

عناوین مشابه

- منبع شناسی فقه روابط بین الملل
- آسیب شناسی روابط بین الملل از دیدگاه امام خمینی
- درآمدی بر تاریخ گرایی در روابط بین الملل: جامعه شناسی تاریخی و زمینه های پژوهشی مشترک در روابط بین الملل
- بحران شناسی فرهنگی روابط بین الملل در سال ۲۰۱۶، بر اساس مدل مکعب بحران هرمان
- روش شناسی سازه انگاری در حوزه روابط بین الملل
- انسان شناسی نظریه های امنیت: پیش پارادایم روح محور (عزت جو) در روابط بین الملل: بررسی موردی عزت جوئی ج.ا.ایران در دفاع مقدس
- روش شناسی و روش مطالعه در روابط بین الملل
- نکته هایی در فقه روابط بین الملل
- نا اطمینانی شناسی و مخاطره در روابط بین الملل - یک بررسی شناختی پیرامون نا اطمینانی در تصمیم ، مخاطره پذیری و مخاطره گریزی
- قاعده ی امان در فقه روابط بین الملل

واژه‌شناسی فقه روابط بین الملل

قاسم شبان‌نیا



مباحث مربوط به فقه سیاسی اسلام از مباحث نوین‌یاد در عرصه علوم اسلامی است، هرچند در میان عبارات فقهای پیشین نیز می‌توان ابواب و عباراتی را یافت که جنبه‌های اجتماعی و سیاسی اسلام را مورد توجه قرار داده‌اند. این نوشته‌ها از آن‌رو دارای اهمیتند که محتوایی غنی برای پی‌ریزی مباحث فقه سیاسی در اختیار محققان قرار می‌دهند. روابط بین‌الملل اسلامی نیز که در سیاست‌گذاری دولت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بخشی از فقه سیاسی به شمار می‌رود، از مسائلی است که اخیراً در برخی از مجامع علمی به صورت بسیار محدود مورد توجه قرار گرفته است، و حال آنکه جا دارد نسبت به این حوزه، اهتمام جدی صورت پذیرد تا امکان ارائه راه‌کارهای علمی و عملی در زمینه سیاست خارجی دولت اسلامی فراهم آید. ناگفته نماند که پراکندگی مباحث مذکور در کتب تفسیری، روایی و فقهی، پژوهش در این عرصه را با مشکلاتی مواجه ساخته است، اما با تأمل و تفقه در کتب معتبر، می‌توان روابط بین‌الملل اسلامی را تبیین نمود.

فقه (۱)

الف. در لغت

فراهیدی در کتاب العین خود، درباره واژه «فقه» می‌نویسد: «الفقه: العلم فی الدین. یُقال: فقه الرجلُ یُفقهه فقهاً، فهو فقیه. وفقهه یُفقهه فقهاً إذا فهم. و أفقهته: یبنت له. والتفقه: تعلّم الفقه.» (۲) بر اساس این تعریف، به فهم و درک یک مطلب فقه اطلاق می‌شود. «علم دین» نیز یکی از معانی بارز فقه است که به همان معنای نخستین بازمی‌گردد.

برخی از اهل لغت در این برداشت از واژه «فقه»، توافق دارند، اما در عبارات آنان، گاهی دامنه این واژه گسترده‌تر و گاهی محدودتر است. جوهری در صحاح معتقد است: معنای اولیه این واژه عمومیت داشت و به معنای فهم و درک یک مطلب بود، اما پس از آن، اختصاص به «علم شریعت» پیدا کرده است. از این‌رو، تنها عالم به علم شریعت را می‌توان «فقیه» نامید. (۳)

در مجمع‌البحرین، اختصاص یافتن این واژه به علوم مربوط به شریعت مورد تأکید قرار گرفته است. (۴)

این‌اثیر نیز با تأیید این نکته، یادآور می‌شود که عرف این واژه

مباحث مربوط به فقه سیاسی اسلام از مباحث نوین‌یاد در عرصه علوم اسلامی است، هرچند در میان عبارات فقهای پیشین نیز می‌توان ابواب و عباراتی را یافت که جنبه‌های اجتماعی و سیاسی اسلام را مورد توجه قرار داده‌اند. این نوشته‌ها از آن‌رو دارای اهمیتند که محتوایی غنی برای پی‌ریزی مباحث فقه سیاسی در اختیار محققان قرار می‌دهند. روابط بین‌الملل اسلامی نیز که در سیاست‌گذاری دولت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بخشی از فقه سیاسی به شمار می‌رود، از مسائلی است که اخیراً در برخی از مجامع علمی به صورت بسیار محدود مورد توجه قرار گرفته است، و حال آنکه جا دارد نسبت به این حوزه، اهتمام جدی صورت پذیرد تا امکان ارائه راه‌کارهای علمی و عملی در زمینه سیاست خارجی دولت اسلامی فراهم آید. ناگفته نماند که پراکندگی مباحث مذکور در کتب تفسیری، روایی و فقهی، پژوهش در این عرصه را با مشکلاتی مواجه ساخته است، اما با تأمل و تفقه در کتب معتبر، می‌توان روابط بین‌الملل اسلامی را تبیین نمود.

مشکلی که در بازیابی و بررسی مجدد عبارات فقها وجود دارد این است که اصطلاحات مذکور در آن کتب، براساس فقه استنباطی رایج در آن زمان است؛ با پدید آمدن افق‌های تازه و گسترده‌تر در فقه، به ویژه در عرصه روابط بین‌الملل، ضروری است اصطلاحاتی مورد استفاده قرار گیرد که با مباحث جدید مطابقت داشته باشد و ابعاد گوناگون آن را دربرگرفته باشد؛ زیرا شناخت این‌گونه اصطلاحات به فهم بهتر این مباحث کمک شایانی خواهد نمود و محقق را نسبت به زوایای بحث آشنا خواهد ساخت. از این‌رو، بخشی از این نوشتار به شرح اصطلاحات و مفاهیم رایج در این

را به علم شریعت و علم به فروع آن اختصاص داده است.^(۵)

اما نویسنده لسان العرب دلیل دیگری برای اختصاص یافتن این واژه به علوم مربوط به دین ذکر می‌کند. وی در این زمینه اظهار می‌دارد: «الْفَقْهُ: العلمُ بالشَّيْءِ و الفهمُ له، و غَلَبَ على علم الدين لسيادته و شرفه و فضله على سائر أنواع العلم كما غلب النجم على الثريا والعود على المنديل»^(۶)

قابل ذکر است که برخی از مشتقات این کلمه در قرآن مورد استفاده قرار گرفته است که می‌توان از آن‌ها معنای «فهم و آگاهی از دین» را استنباط نمود.^(۷)

ب. در اصطلاح

واژه «فقه» علاوه بر معنای لغوی خود، دارای معنایی اصطلاحی نیز هست که ارتباط وثیقی با معنای لغوی آن دارد. برخی از نویسندگان با استفاده از تعریفی که فقها در کتب خود از این اصطلاح ارائه داده‌اند، به بیان تعاریف متعدد از فقه پرداخته‌اند.^(۸) اما از عبارات فقهای متقدم و متأخر می‌توان استفاده کرد که از نظر آنان، بهترین تعریف برای فقه عبارت است از: «علم به احکام شرعی فرعی از طریق استاد به ادلة تفصیلی»^(۹) البته مراد از این احکام، احکامی است که از ضروریات دین نباشد؛ چنان‌که برخی از فقها این قید را در تعریف خود از فقه آورده‌اند که «هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفُرْعِيَّةِ الْمُسْتَدَلِّ عَلَى أَعْيَانِهَا بِحَيْثُ لَا يَعْلَمُ كَوْنُهَا مِنْ الدِّينِ ضَرْوَةً فَخَرَجَ الْعِلْمُ بِالذَّوَاتِ وَالْأَحْكَامِ الْعَقْلِيَّةِ وَالنَّقْلِيَّةِ وَالتَّقْلِيدِيَّةِ»^(۱۰) همچنین از تعریف مذکور استفاده می‌شود که «أَنَّ الْفَقْهَ هُوَ - تَحْدِيدًا - الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الْعَمَلِيَّةِ دُونَ الْإِعْتِقَادِيَّةِ، وَ أَنَّ الْجَاهِدَ يَتَأَطَّرُ ضَمْنَ الْمَوَاضِعِ الَّتِي لَيْسَ لَهَا أَحْكَامٌ قَطْعِيَّةٌ تَدُلُّ عَلَيْهَا النُّصُوصُ الثَّابِتَةُ الَّتِي لَا تَحْتَمِلُ الْخَارِجِيَّةَ، بَلْ يَخْتَصُّ بِالْأَحْكَامِ الْفُرْعِيَّةِ الظَّنِّيَّةِ الْمُسْتَنْبَطَةِ»^(۱۱)

حاصل آنکه «فقه» در اصطلاح، به علمی گفته می‌شود که متصدی بیان احکام شرعی فرعی تکلیفی و وضعی است. از این رو، مباحثی همچون اصول عقاید و اصول فقه در آن نمی‌گنجد. البته این علم از طریق دلائل تفصیلی به دست می‌آید و از این رو، به شخص مقلد، که از احکام خود آگاهی دارد، در اصطلاح، «فقیه» گفته نمی‌شود. هر چند گاهی فقه به «مجموعه مسائل شرعی عملی استنباط شده و آراء مستدل فقها»^(۱۲) نیز اطلاق می‌شود.

سیاست^(۱۳)

در زمینه واژه «سیاست» در لغت، عبارت برخی از لغویین نشان می‌دهد که سیاست مصدر ساس یسوس می‌باشد. لسان العرب در این زمینه می‌نویسد: «والسوس: الرياسة، يقال ساسوه سوسا، و إذا رأسوه قيل: سوسوه و أساسوه. و ساس الامر سياسة: قام به، و رجل ساس من قوم ساسة و سواس»^(۱۴)

فراہیدی نیز در این زمینه می‌نویسد: «ساس: السوس

والساس. العثة التي تقع في الثياب والطعام. تقول: سيس الطعام فهو مسوس. والسوس: حشيشة تشبه القث. والسياسة: فعل الساس الذي يسوس الدواب سياسة، يقوم عليها ويروضها. والوالي يسوس الرعية و أمرهم»^(۱۵) بنابراین، سیاست به معنای قیام به تدبیر شئون رعایا بر اساس مصالح آن‌ها می‌باشد.

فقه سیاسی^(۱۶)

در طول عمر طولانی فقه شیعه، «فقه سیاسی» از توجه چندانی برخوردار نبوده و در تقسیمات ابواب فقهی، این بحث مورد غفلت واقع شده است. از این رو، به ندرت می‌توان تعریف مشخصی از فقه سیاسی به دست آورد که توسط فقهای شیعه مورد توجه قرار گرفته باشد. بدین روی، اغلب تعاریف‌ها را می‌توان در کتبی جست‌وجو نمود که در عصر حاضر به نگارش درآمده‌اند. البته سابقه این بحث در میان اهل سنت بیشتر بوده و به دلیل آنکه آنان در بسیاری از مقاطع، حکومت را در دست داشته و درگیر مسائل حکومتی بوده‌اند، توجه بیشتری نیز به این مسئله داشته‌اند.

البته در میان نوشته‌های فقهای گذشته، می‌توان در ابوابی همچون جهاد، مکاسب، ولایات، قضاوت، امر به معروف و نهی از منکر، حسیه، حدود، دیات و قصاص سرنخ‌هایی از فقه سیاسی شیعه را به دست آورد، اما تنها در قرن اخیر، بخشی از مباحث فقه سیاسی به طور مستقل، در کتاب‌هایی توسط فقها تنظیم و تألیف گردیده است.^(۱۷)

قابل ذکر است که عدم ذکر عنوانی همچون «فقه سیاسی» در عبارات فقها به معنای رد آن نیست و تنها عده قلیلی همچون علی عبدالرزاق به خود جرئت داده، به انکار نظام سیاسی اسلام پرداخته و معتقدند: اصولاً فقه سیاسی در اسلام وجود ندارد. اولین کسی که نظام سیاسی اسلام را به طور کلی، انکار نموده، علی عبدالرزاق است که معتقد است: شریعت اسلام تنها برای تنظیم روابط میان انسان و خدا برنامه ارائه داده است.^(۱۸) وی در کتاب *الاسلام و اصول الحكم* تصریح می‌کند که تنها وظیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابلاغ دین بوده و تشکیل حکومت هیچ‌گاه در حیطه وظایف او نبوده است. وی طی صفحاتی از کتابش تلاش کرده است تا این نظر خود را با ذکر ادله‌ای اثبات نماید،^(۱۹) اما این استدلال‌ها بسیار ضعیف بوده و توسط برخی دیگر بدان‌ها پاسخ داده شده است.^(۲۰) اما برخی از محققان غربی نیز تصریح نموده‌اند که برخلاف مسیحیت، دین اسلام علاوه بر تنظیم روابط میان انسان و خدا، روابط میان انسان‌ها را نیز مورد توجه قرار داده و فلسفه زندگی را نیز با خود به همراه آورده است، به گونه‌ای که برای تمام شئون انسان‌ها برنامه دارد.^(۲۱)

بنابراین، فقه شیعه فقهی جامع و گسترده است که برای تمام جوانب زندگی انسان برنامه ارائه داده. رابطه انسان با پروردگار خود در فقه عبادات؛ رابطه انسان با زندگی خصوصی خود در فقه حلال و

حرام؛ رابطه فرد با خانواده در قوانین مربوط به احوال شخصیه و همچنین رابطه فرد با اجتماع نیز در قالب معاملات و مبادلات، تحت عنوان «قانون مدنی و تجاری» جای می‌گیرد. علاوه بر تمام این موارد، رابطه فرد با دولت یا حاکم و محکوم و یا راعی و رعیت نیز در «فقه سیاسی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. (۲۲)

نکته‌ای که باید در فقه سیاسی اسلام مورد توجه قرار گیرد تا برخی از ابهامات رفع شود این است که سیاست از نظر اسلام، عبارت است از: «رعایت شئون اقت در داخل و خارج از کشور از طریق چیزهایی که مخالف شریعت اسلام نباشد». (۲۳) بنابراین، سیاست شرعی یا فقه سیاسی مبتنی بر این نیست که سخنی از سوی شارع مقدس در تمام موارد و مصادیق آمده باشد، بلکه شرط شرعی بودن یک عمل در عرصه سیاست، آن است که با نصوص قرآن و سنت و نیز قواعد شریعت و اصول کلی آن در تعارض نباشد. (۲۴)

حاصل آنکه «فقه سیاسی اسلام مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی است که عهده‌دار تنظیم روابط مسلمین با خودشان و ملل غیرمسلمان عالم بر اساس مبانی قسط و عدل بوده و تحقق فلاح و آزادی و عدالت را منحصر در سایه توحید عملی می‌داند». (۲۵)

حقوق بین‌الملل (۲۶)

از «حقوق بین‌الملل»، که در زبان عربی از آن با عنوان «حقوق دولی» یاد می‌شود، تعاریف متفاوتی ارائه شده است. (۲۷) هر یک از این تعاریف بر اساس نگاهی خاص به این مقوله آورده شده است.

در *دائرة المعارف حقوق بین‌الملل*، در تعریف این اصطلاح آمده است: «حقوق بین‌الملل» مجموعه‌ای از اصول و قواعد الزام‌آوری است که بر گونه‌های متفاوت روابط بین‌المللی حاکم است. (۲۸)

در نوشتاری دیگر، در تعریف حقوق بین‌الملل آمده است: «حقوق بین‌الملل حقوقی است که روابط دولت‌ها را به عنوان نماینده ملت‌ها و وظایف متقابل آن‌ها را در برابر سازمان‌های اجتماعی و حقوقی ویژه افراد بیگانه در هر کشور تنظیم کند و این کار باید بر اساس تأمین آسایش و منافع آن‌ها باشد». (۲۹)

در *فرهنگ حقوق بین‌الملل* نیز در تعریف «حقوق بین‌الملل» چنین آمده است: «مجموعه قواعد حقوقی الزام‌آور برای دول و سایر اشخاص بین‌المللی در روابط متقابل آن‌ها». (۳۰) برخی دیگر در تعریف «حقوق بین‌الملل» آورده‌اند: «القانون الذي ينظم ويحكم علاقات الامم الخارجية واتصالات بعضها ببعض». (۳۱)

احمد سرحال نیز پس از ذکر ایراداتی بر تعاریف موجود از «حقوق بین‌الملل»، تعریف ذیل را ارائه می‌دهد: «مجموعه القواعد

التي تنظم علاقات المجتمع الدولي، قل علاقات أشخاص المجتمع الدولي، خصوصاً الدول والمنظمات الدولية». (۳۲) البته ذکر این نکته نیز بجاست که در زمینه ضرورت وجودی حقوق بین‌الملل، مباحث گسترده‌ای مطرح شده است (۳۳) که پرداختن به آن مجالی دیگر می‌طلبد.

حقوق بین‌الملل اسلامی (۳۴)

اندیشمندان اسلامی برای این واژه، که در زبان عربی «القانون الدولي الاسلامي» گفته می‌شود، تعاریفی ذکر کرده‌اند. محمد حمیدالله در تعریف این اصطلاح آورده است: «آن قسمت از قانون و رسوم رایج داخلی یا تعهدات ناشی از عقود و قراردادهای یک دولت اسلامی در حشر و نشر با دولتی دیگر مطمح‌نظر قرار می‌دهد». (۳۵) یکی دیگر از نویسندگان نیز در تعریف «حقوق بین‌الملل اسلام» آورده است: «کلیه اصول و قواعد حقوقی که حاکم بر زمینه‌های مختلف روابط بین‌الملل است». (۳۶) تعریف دیگری در مورد این اصطلاح، حقوق بین‌الملل اسلامی را شامل مجموعه‌ای از قواعد حقوقی می‌داند که بر روابط بین‌المللی یک کشور اسلامی حکومت می‌کند. (۳۷)

برخی از نویسندگان نیز در صدد برآمده‌اند تعریف مشترک طرف‌داران این اصطلاح را چنین بیان نمایند: «مجموعه القواعد التي تنظم العلاقات الدولية بين الدول الإسلامية من ناحية، وبين غيرها من ناحية أخرى، والتي تستمد أصولها من المصادر الاجتهادات والممارسات والتجربة التاريخية الإسلامية». (۳۸)

البته حقوق بین‌الملل به صرف اینکه یک دولت اسلامی وضع کرده، اسلامی نخواهد بود، بلکه حقوق بین‌الملل در صورتی اسلامی است که بر اساس اصول و قوانین اسلامی وضع شده باشد. بر اساس تقسیماتی که نویسندگان و اندیشمندان عرصه حقوق بین‌الملل وضع نموده‌اند، حقوق بین‌الملل، به حقوق بین‌الملل «عمومی» و «خصوصی» قابل تقسیم است. در «حقوق بین‌الملل عمومی»، از روابط دو یا چند دولت و در «حقوق بین‌الملل خصوصی» از روابط دو یا چند فرد از اتباع دو یا چند دولت بحث می‌شود. (۳۹)

روابط بین‌الملل (۴۰)

روابط بین‌الملل در معنای عام خود، رشته گسترده‌ای است که شامل انواع روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، بازرگانی و مانند آن می‌شود. آکن بیرو در *فرهنگ اجتماعی*، در خصوص روابط بین‌المللی معتقد است: «تمامی روابطی که در آن سوی مرزها برقرار می‌شود و مستقیماً یا به طور غیرمستقیم دارای ماهیت و یا آثار و نتایج سیاسی هستند، روابط بین‌المللی خوانده می‌شوند». (۴۱) در کتب و منابع عربی، «علاقات دولیه» معادل چنین اصطلاحی است.

در زمینه رابطه میان حقوق بین الملل و روابط بین الملل، باید به خاطر داشت که «حقوق بین الملل ناشی از روابط بین الملل می باشد، اما پس از شکل گیری، روابط بین الملل را نظم حقوقی می بخشد» (۴۲)

فقه روابط بین الملل (۴۳)

بر اساس تعاریف گذشته از «فقه»، «روابط بین الملل» و «حقوق بین الملل اسلامی»، می توان گفت: «فقه روابط بین الملل»، مجموعه ای از قواعد فقهی است که بر روابط بین الملل یک کشور اسلامی حاکم است. نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که این اصطلاح، با اصطلاح «حقوق بین الملل اسلامی» یکسان است، اما زاویه دید نسبت به هر یک از این دو اصطلاح متفاوت است. در روابط بین الملل اسلامی، نظر اسلام درباره واقعیات جهان خارج مطرح می گردد، اما در حقوق بین الملل اسلامی، با توجه به حقوق مدون در جهان معاصر، نظریه اسلام مورد بررسی قرار می گیرد و این حقوق از نظر اسلام ارزیابی می شود.

پی نوشت ها

1. Jurisprudence.

- ۱- ابو عبد الرحمن الخلیل بن احمد الفراهیدی، کتاب العین، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، ط الثانية، مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۷۰.
- ۲- اسماعیل بن حماد الجوهزی، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق احمد بن عبد الغفور عطار، ط الرابعة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۲۴۳.
- ۳- فخرالدین الطریحی، مجمع البحرین، تحقیق الشیخ احمد الحسینی، ط الثانية، مکتب نشر الثقافة الاسلامیة، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۲۱ / ابراهیم بن اسحاق الحریری، غریب الحدیث، تحقیق سلیمان ابراهیم محمد العایر، جده، دار مدنه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۳۶.
- ۴- مجدالدین بن الاثیر، النهاية فی غریب الحدیث، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، ط الرابعة، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق، ج ۳، ص ۴۶۵.
- ۵- ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۵۲۲.
- ۶- حمید حیدری، توسل به زور در روابط بین الملل از دیدگاه حقوق بین الملل عمومی و فقه شیعه، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۶ق، ص ۳۷.
- ۷- یحیی بن الشرف النووی، روضة الطالبین، تحقیق الشیخ عادل احمد عبد الموجود و الشیخ علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ج ۱، ص ۹ / ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، قم، نشر حر، ۱۳۶۱ق، ج ۱، ص ۳۹.
- ۸- الشیخ المفید، العویص، تحقیق الشیخ محسن احمدی، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ص ۳ / محمد بن علی بن ابراهیم الاحسایی، الاقطاب الفقهیة علی مذهب الامامیة، تحقیق الشیخ محمد الحسون، قم، مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۴ / المحقق الکرکی، جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۱ / زکریا بن محمد الانصاری، فتح الوهاب، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸ / الشیخ الاول، القواعد والفوائد، تحقیق السید عبدالهادی الحکیم، قم، مکتبة المفید، ج ۱، ص ۳۰ / المیرزا علی مشکینی، اصطلاحات الاصول و معظم ابیائها، ط الخامسة، قم، الهادی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۰.
- ۹- العلامة الحلی، تحریر الاحکام، تحقیق الشیخ ابراهیم

- البهاری یاشراف الشیخ السبحانی، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲.
- ۱۱- همو، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸.
- ۱۲- عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ق، ج ۲، ص ۲۲.

13. Politics.

- ۱۴- ابن منظور، پیشین، ج ۶، ص ۱۰۸.
- ۱۵- خلیل بن احمد الفراهیدی، پیشین، ج ۷، ص ۳۳۵.

16. Political Jurisprudence.

- ۱۷- معاونت پژوهشی و آموزشی مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی، درآمدی بر اندیشه سیاسی اسلامی، تهران، الهدی، ۱۳۷۸ق، ص ۹۱ / عباسعلی عمید زنجانی، پیشین، ج ۲، ص ۵۱.
- ۱۸- خالد بن علی بن محمد العنبری، فقه السیاسة الشرعیة فی ضوء القرآن و السنة، الرياض، مکتبة الملك فهد الوطنیة أثناء النشر، ۱۴۱۸ق، ص ۱۸.
- ۱۹- علی عبدالرزاق، الاسلام و اصول الحكم، تونس، دارالمعارف للطباعة و النشر، ص ۶۲.
- ۲۰- خالد بن علی بن محمد العنبری، پیشین، ص ۱۹.
- ۲۱- مارسل بوزار، اسلام در جهان امروز، ترجمه د.م. ی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ق، ص ۲۳۱.
- ۲۲- یوسف القرضاوی، السیاسة الشرعیة فی ضوء نصوص الشریعة و مقاصدها، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ق، ص ۱۵.
- ۲۳- خالد بن علی بن محمد العنبری، پیشین، ص ۹.
- ۲۴- نادیه محمود مصطفی و غیره، الدولة الاسلامیة وحده العلاقات الخارجیة فی الاسلام، القاهرة، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹.
- ۲۵- ابوالفضل شکوری، پیشین، ص ۷۱.

26. International Law.

- ۲۷- حمید حیدری، پیشین، ص ۲۵ / احمد سرحال، قانون العلاقات الدولیة، بیروت، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹.
- ۲۸- عبدالحکیم سلیمی، نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲ق، ص ۵۱ / عباسعلی عمید زنجانی، پیشین، ج ۳، ص ۷۷.
- ۲۹- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، تهران، سمت، ۱۳۷۲ق، ج ۱، ص ۱۷.
- ۳۰- رابرت بلدسو، فرهنگ حقوق بین الملل، ترجمه بهمن آقایی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵ق، ص ۱۷.
- ۳۱- حارث سلیمان الفاروقی، المعجم القانوني، ط الثانية، بیروت، مکتبة لبنان، ۱۴۱۰ق، ص ۳۷۸.
- ۳۲- احمد سرحال، پیشین، ص ۴۳.
- ۳۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص ۱۸ / محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، ج شانزدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۱ق، ص ۹ / احمد سرحال، پیشین، ص ۱۰.

34. Islamic International Law.

- ۳۵- محمد حمید الله، حقوق روابط بین الملل در اسلام، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۳ق، ج ۱، ص ۲۲.
- ۳۶- عباسعلی عمید زنجانی، پیشین، ج ۳، ص ۸۶.
- ۳۷- علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴ق، ص ۱۷۳، فراز ۱۲۶۳.
- ۳۸- محمد محمود ربیع و اسماعیل صبری مقلد، موسوعة العلوم السیاسیة، کویت، جامعة الكويت، ۱۹۹۳/۱۹۹۴م، ص ۱۱۳۶، فراز ۷۹۹.
- ۳۹- محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ج دهم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸ق، ص ۲۳۱، فراز ۱۸۴۵.

40. International Relations.

- ۴۱- غلامرضا علی بابایی، فرهنگ روابط بین الملل، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵ق، ص ۱۱۰.
- ۴۲- محمدرضا ضیائی بیگدلی، پیشین، ص ۴.

43. Jurisprudence of International Relations.